

بنام دادسرا مراجعه کرد و بعد از انجام تحقیقات در کلانتری و دادسرا، جهت رسیدگی به دادگاه فرستاده می‌شود. ولی دادخواست حقوقی باید به صورت مستقیم به دادگاه تقدیم شود.

۴- شکایات‌های کیفری را بدون استفاده از وکیل هم می‌توان در دادگستری مطرح کرد، لیکن بیشتر شکایات‌های حقوقی به جهت پیچیدگی و فنی بودن شایسته‌است که توسط وکیل دادگستری مطرح شود.

۵- برای مطرح کردن شکایت کیفری (از هر نوعی که باشد) فقط یک تمبر ده هزار تومانی لازم است که در دادگستری بر روی آن زده شود، ولی برای طرح دعوی حقوقی، باید در مرحله بدوی بیش از ۲۰۰ میلیون ریال، سه و نیم درصد از ارزش خواسته تمبر باطل کرد. اما در دعاوی مالی غیرمنقول و خلع ید (متصرف) از اعیان غیرمنقول، هزینه دادرسی مطابق ارزش معاملات املاک در هر منطقه توسط دفتر دادگاه تقویم و بر اساس هزینه دادرسی تعیین می‌گردد و سپس ابطال تمبر صورت می‌گیرد.

۶- پرونده بسیاری از شکایات‌های کیفری حتی با پس گرفتن شکایت از طرف شاکی بلحاظ اینکه واجد جنبه عمومی هستند و صرفاً جنبه خصوصی ندارند، مختومه نمی‌شوند مثل شکایت راجع به رشوه، قتل، زنا و... اما دعاوی حقوقی با پس گرفتن دعوی از طرف خواهان، خاتمه می‌یابند.

۷- در شکایات‌های کیفری، به شکایت کننده شاکی و به طرف او متشاکی یا مشتکی عنه و یا متهم گفته می‌شود و به موضوع پرونده نیز اتهام می‌گویند. اما در شکایات‌های حقوقی، به شکایت کننده خواهان، به طرف او خواننده گفته می‌شود و به موضوع پرونده هم خواسته می‌گویند.

۸- برای دعوت کردن طرف شکایت کیفری (متهم) به دادگاه برگه‌ای بنام احضاریه برای او فرستاده می‌شود و در صورت عدم حضور جلب خواهد شد، ولی برای دعوت کردن طرف دعوی حقوقی

(خواننده) از ورقه‌ای بنام احضاریه استفاده می‌شود.

۹- در شکایت کیفری، اگر متهم (مشتکی عنه) به احضاریه توجه نکند و در وقت تعیین شده خود را به مرجع قضایی معرفی نکند، وی را جلب و به اجبار به دادگستری دلالت می‌کنند ولی در دعاوی حقوقی اگر خواننده به موقع حاضر نشود، منتظر او نمی‌مانند و ممکن است حق را به خواهان بدهند.

۱۰- در شکایات‌های کیفری با درج دلایل و مستندات در قالب لایحه می‌شود به حکم دادگاه اعتراض و خواستار ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر شد ولی در دعاوهای حقوقی، باید به وسیله دادخواست مراتب تجدید نظرخواهی اعلام شود.

نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی و وجه التزام

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی					
تعیین خوانسته و بهای آن	تقاضای الزام خوانده به تنظیم سند رسمی انتقال و مطالبه وجه التزام به اتمام کلیه خسارات قانونی.				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- مبیاعه نامه ۲- عندالزوم تحقیق و معاینه محل ۳- گواهی عدم حضور در دفترخانه ۴- سایر مدارک مورد نیاز				

ریاست محترم شعبه ... دادگاه عمومی شهرستان

با سلام، احتراماً به استحضار می‌رساند:

خواننده محترم آقای/ خانم..... به موجب مبیاعه نامه مورخ که فتوکپی مصدق آن پیوست است، اقدام به فروش یکدستگاه آپارتمان واقع در..... به اینجانب نموده است. متعاقباً به جهت اینکه ملک ترقی کرده از حضور در دفترخانه به منظور تنظیم سند رسمی و دریافت مانده ثمن امتناع می نماید. از آنجاییکه مطابق بند..... شرایط ضمن عقد وی ملتزم گردیده در دفترخانه شماره..... حاضر و در قبال دریافت مابقی ثمن اقدام به انتقال رسمی مورد معامله نماید و علیرغم مراجعات مکرر از این امر خودداری می کند، لهنذا صدور حکم مبنی بر محکومیت نامبرده به تنظیم سند رسمی و نیز پرداخت مبلغ..... بابت وجه التزام (بلحاظ عدول از معامله) بعلاوه کلیه خسارات قانونی مورد استدعاست.

محل امضاء - مهر - انگشت

نمونه برگ احضاریه

شماره پرونده:

اقامتگاه شهرستان / استان

مؤسسه کیفری استان ایران
برگ احضاریه

نام احضار شونده	حوزه نیروی انتظامی
نام پدر	خیابان
شهرت	کوچه پلاک
پیشه	روستا
محل حضور دادگاه	شعبه
وقت حضور	ساعت

علت حضور

در وقت مقرر فوق به عنوان شولیناکی علیه آقای در دادگاه حاضر شوید در صورت تمایل به دادخواست ضرر و زیان قبل از ا جلسه دادگاه اقدام نمایید.

تاریخ صدور و امضاء

تاریخ	روز	ماه	سال	امضاء
بلاغ				

محل گواهی مأمور ابلاغ

نمونه برگ احضار متهم

دادگاه کیفری عمومی ...

مؤسسه کیفری استان ایران
برگ احضار

تاریخ
شماره
پیوست

نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل و شهرت
شغل و شهرت			
محل اقامت			
موضوع اتهام			
محل حضور			
وقت حضور			
محل امضاء احضار شونده			
اگر وکیل انتخاب نموده آید معرفی نمایید و اگر هم کسی را به عنوان شهود فقیهه دارید قبل از وقت مقرر معرفی تا احضار شوند .			
نتیجه عدم حضور - هر گاه در موعد مقرر حاضر نشوید حکم غیابی داده با نظر دادگاه جلب خواهید شد و هر گاه عذر موجهی مطابق ماده ۱۷۸ این دادرسی کیفری داشته باشید قبلاً به دادگاه اظهار خواهید داشت.			



نحوه شکایت کیفری



اشاره

دعاوی در یک دسته بندی کلی به دو نوع حقوقی و کیفری تقسیم می‌شوند. دعاوی حقوقی شامل مطالبهٔ خسارت، الزام به تنظیم سند رسمی‌املاک، مطالبهٔ اجاره‌بها و اجرت‌المثل املاک می‌شود. لیکن دعاوی کیفری مانند خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل، قتل، ضرب و شتم و تخریب اموال دارای وصف مجرمانه هستند، که ذیلاً به عناصر و اجزاء آن اشاره می‌شود. البته در پاره‌ای اوقات بعضی از خواسته‌ها ماهیتی دوگانه دارند بدین صورت که هم می‌توانند موضوع دعوی کیفری قرار بگیرند و هم حقوقی مانند ترک انفاق (عدم پرداخت نفقه توسط زوج) و چک بی‌محل از جمله مهم‌ترین این موارد هستند.

کلید واژه‌ها: دعوی کیفری، دعوی حقوقی، شاکی، مشتکی عنه (متشاکي)، متهم، مجرم، خواهان، خواننده، دعاوی مالی، ارزش معاملات املاک

آشنایی با برخی مفاهیم

شاکی: واژه‌ای است که در پرونده‌های کیفری بکار برده می‌شود و خواهان به دعاوی و پرونده‌های حقوقی مربوط می‌شود؛ بنابراین هر جا پای جرم و مجازات در میان باشد با شاکی و در سایر موارد با خواهان سر و کار داریم. با این توصیف به فردی که به اتهام ضرب و جرح علیه کسی شکایت می‌کند شاکی، و شخصی که دادخواست خلع ید علیه فرد دیگری می‌دهد، خواهان گویند.

مشتکی‌عنه: این عنوان به کسی اطلاق می‌شود که‌از او شکایت شده‌است. در قانون آیین دادرسی کیفری تنها یک مورد از مشتکی‌عنه سخن گفته شده و آن هم در شرایط تنظیم شکواییه‌است. بر اساس مادهٔ۶۹ آن مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان باید در شکواییه نوشته شود. در ضمن مشتکی‌عنه می‌تواند در کل بازجویی سکوت کند. حق داشتن وکیل حق دیگری است که وی از آن برخوردار است. اخذ آخرین دفاع نیز حقی است که متهم یا مشتکی‌عنه که در رسیدگی‌های کیفری به وی اختصاص دارد و در

مرحله تحقیقات مقدماتی گرفته می‌شود.

متهم: مرحله‌ای بعد از مشتکی‌عنه است. در صورتی که پرونده بعد از شکایت به جریان بیافتد کسی که‌از او شکایت شده یعنی مشتکی‌عنه، مورد تعقیب و تحقیق راجع به‌اتهام انتسابی قرار گیرد متهم نام خواهد گرفت. این شخص تا صدور حکم قطعی از سوی دادگاه عنوان متهم را خواهد داشت و تا این لحظه هیچ کس حق ندارد او را مجرم بداند و مثل مجرم با او رفتار کند. **مجرم:** این عنوان در خصوص فردی است که که مرتکب جرم می‌شود و جرم به عملی گویند که وجدان جمعی را جریحه دار کند به بیان دیگر هر فعل یا ترک فعلی که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد جرم محسوب می شود. بنابراین، تا زمانی که حکم قطعی از دادگاه کیفری مبنی بر مجرمیت صادر نشده‌است نمی‌توانیم کسی را مجرم بدانیم و آنچه به وی مصداق دارد، همان متهم است.

عناصر تشکیل دهنده جرم

عناصر تشکیل دهنده جرم به شرح ذیل است:

۱- عنصر قانونی جرم: منظور از عنصر قانونی، این است که برای تشخیص این که آیا عملی یا ترک عملی جرم است یا خیر؟ باید بلافاصله به مرجع تشخیص جرائم یعنی قانونگذار مراجعه کرد. پس عنصر قانونی حکایت دارد از اینکه هیچ عملی را هر چند زشت و ناپسند و مذموم باشد، نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه قانونگذار آن را جرم شناخته باشد. مثلاً دروغگویی گرچه گناه تلقی می‌شود جرم نیست، لیکن شهادت دروغ نزد مقامات رسمی و یا نشر اکاذیب از نظر قانونی دارای وصف جزایی و جرم است.

۲- عنصر مادی جرم: برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد و شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء ارتکاب عمل خاصی دست کم به مرحله فعلیت برسد؛ یعنی جرم قتل زمانی فعلیت می‌یابد که منجر به سلب حیات مقتول شود و یا سرقت زمانی وجود خارجی پیدا کند که عمل ربایش صورت پذیرد و بنابراین صِرف تصوّر و اراده‌ای که فعلیت نیافته، جرم محسوب نمی‌شود.

۳- عنصر روانی جرم: برای تحقق جرم نقض اوامر و نواهی قانونگذار به تنهایی کافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت ارتکاب جرم یا تظاهر نیت سوء است یا خطای مجرم، مشروط بر اینکه فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد.

مدعی خصوصی: به شاکی گاهی مدعی خصوصی نیز می‌گویند و کسی است که از ارتکاب جرمی‌زیانی به وی رسیده است. البته بجز موارد سرقت و کلاهبرداری، جبران این زیان ها نیازمند دادخواست است و تا زمانی که این دادخواست ارائه نشده، نام وی شاکی و بعد از تقدیم دادخواست، نام او علاوه بر شاکی، مدعی خصوصی خواهد بود. به طور مثال چنانچه به دنبال صدور کیفرخواست علیه صادر کننده چک بلامحل، دادخواست محکومیت به پرداخت وجه چک بعلاوه خسارات حاصله مطرح شود.

دعاوی خصوصی: این دعوی به‌این دلیل شروع می‌شود که‌ارتکاب جرم، علاوه بر اینکه موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود ممکن است موجب شود که حق شخص یا اشخاص معینی نیز تضییع یا انکار شود، در این‌صورت چون این حق، حقی خصوصی است، دعاوی ایجاد شده نیز دعاوی خصوصی شمرده می‌شود. به‌طور مثال، ورقه سفید امضا برای تنظیم متن وکالتنامه، امضا شده باشد ولی در بالای امضا، اقرار به دین‌صاحب امضا نوشته شود، که در این‌صورت خیانت در امانت تلقی و جرم به حساب می‌آید. همچنین اگر‌فرد به تغییر مبلغ مورد توافق در سفید امضا مبادرت کند نیز مجرم است. مانند اینکه خریداری که فاکتور کالا یا قولنامه‌یی را قبل از تکمیل متن امضا و تحویل داده، ولی فروشنده مبلغ را مغایر با آنچه قبلاً توافق شده بنویسد؛ به‌اتهام خیانت در امانت قابل تعقیب است.

نحوه طرح شکایت

برای طرح شکایت باید ابتدا به دادسرا و در صورت تعطیلی در مواردی که فوریت دارد یا جرم مشهود است، به نیروی انتظامی مراجعه کرد. البته باید به کلانتری یا دادسرای مراجعه شود که جرم در حوزه آن واقع شده

باشد. بر خلاف دعاوی حقوقی که خواهان باید دادخواست با تمام تشریفات و شرایط آن تکمیل کند برای طرح دعاوی کیفری شاکی لازم نیست حتماً بر‌گه مخصوصی با تشریفات خاص تهیه کند. لیکن در شکواییه باید حداقل‌هایی به شرح زیر رعایت شود:

الف – نام، نام خانوادگی، نام پدر و نشانی دقیق شاکی.

ب – موضوع شکایت و ذکر تاریخ و محل وقوع جرم.

ج – ضرر و زیان مالی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه‌است.

د – مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان.

ه- ادله و اسامی‌و مشخصات و نشانی شهود و مطلعین در صورت امکان.

نکته‌ای که باید توجه داشت اینکه، مطابق ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، قضات و ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول کنند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید می‌شود و به‌امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت‌جلسه تصدیق می‌شود.

تفاوت شکایت کیفری با دادخواهی حقوقی

یکی از مسائلی که باید مراجعین به دادگستری به آن توجه کنند، تفکیک این دو عنوان است که ضمن دلالت آنان به مراجع ذیصلاح، روند دادرسی را کوتاه تر می‌کند.

۱- دعاوی کیفری مربوط به عملی است که برای مرتکب آن، دادگاه مجازات تعیین می‌کند ولی برای دعاوی حقوقی دادگاه مجازاتی درنظر نمی‌گیرد و فقط مرتکب عمل را به دادن حقوق قانونی دیگران یا انجام تکالیفش ملزم می‌سازد.

۲- شکایت کیفری را در هر‌کاغذی می‌توان تنظیم و به مرجع قضایی برد، ولی دعاوی حقوقی حتماً باید در کاغذ مخصوصی بنام دادخواست نوشته شود و‌گرنه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

۳- چنانکه فوقاً اشاره شد، در شکایت کیفری باید ابتداء به مرجعی